



## A Typology of Teachers' Influences on Students' Religious Education: A Case Study of the Lower Secondary Level

Hamidah Ghaderi<sup>۱</sup>, Fatemeh Karimi-Farshad<sup>۲</sup>

۱. M.A. in Qur'anic Sciences and Hadith, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran

۲. Level-۲ Graduate of the Women's Islamic Seminary; B.A. in Qur'anic Sciences and Hadith

### Article Info

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

**Received**

۲۰ October ۲۰۲۴

**Received in revised form**

۲۰ December ۲۰۲۴

**Accepted**

۶ January ۲۰۲۵

**Available online**

۲۰ March ۲۰۲۵

**Keywords:**

Religious Education  
Teacher Influence  
Students' Religious  
Education  
Effective Educational  
Teacher  
Religious Education in  
Lower Secondary School

### ABSTRACT

The influence of teachers on students' religious education is regarded as one of the key and significant factors in the formation of their religious and moral identity. Teachers are important not only as transmitters of knowledge but also as behavioral and ethical role models in students' lives. By creating a supportive and encouraging environment, teachers can help promote religious and moral values among students. Through the use of appropriate teaching methods, they can present religious concepts in an engaging and comprehensible manner. Moreover, by establishing positive relationships and effective interactions with students, teachers can enhance their self-confidence and motivation for learning. Teachers who themselves adhere to religious rules and values can serve as practical examples and role models in students' lives. Such influence plays a crucial role in shaping students' religious attitudes and behaviors. In addition, teachers can create suitable spaces for dialogue and religious experiences by planning and implementing group activities, classroom discussions, and cultural programs. These interactions motivate students to develop a deeper understanding of their religion and to apply it in their daily lives. Ultimately, the role of the teacher in students' religious education is a decisive and influential factor in the formation and development of their personality and religious identity.

**Cite this article:** Ghaderi, Hamideh, & Karimi-Farshad, Fatemeh. (۲۰۲۵). A Typology of Teachers' Influences on Students' Religious Education: A Case Study of the Lower Secondary Level. *Modern Islamic Studies in the Context of Modernity*, ۱(۲), ۱۳۸-۱۵۳.

 <http://doi.org/.....>



© The Author(s).

**Publisher:** Quarterly Journal of Modern Islamic Studies and Modern.





## مقدمه

تربیت دینی یکی از ارکان مهم نظام آموزشی است که نقش اساسی در شکل‌گیری هویت اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد. در دوره نوجوانی، دانش‌آموزان در مرحله‌ای حساس از رشد قرار دارند؛ مرحله‌ای که در آن به دنبال شناخت خود، یافتن معنای زندگی و شکل‌دهی به ارزش‌ها و باورهای شخصی هستند. در این میان، محیط آموزشی و به‌ویژه نقش معلمان تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای آنان دارد. معلم تنها انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه به عنوان الگوی رفتاری، اخلاقی و اجتماعی برای دانش‌آموزان شناخته می‌شود. از این رو، نحوه رفتار، گفتار و شیوه تعامل معلم با دانش‌آموزان می‌تواند در تقویت یا تضعیف باورهای دینی آنان اثرگذار باشد. به همین دلیل، بررسی نقش معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تربیت دینی به معنای پرورش ابعاد مختلف وجود انسان بر اساس آموزه‌های دینی است و هدف آن هدایت انسان به سوی رشد معنوی، اخلاقی و انسانی است. این نوع تربیت تلاش می‌کند تا علاوه بر انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی، زمینه درونی شدن ارزش‌ها و باورهای دینی را در افراد فراهم کند. در این فرآیند، عواملی مانند فطرت، عقل، اراده، محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و نقش معلم در کنار یکدیگر عمل می‌کنند. در واقع تربیت دینی زمانی موفق خواهد بود که بتواند میان ابعاد مختلف شخصیت انسان تعادل ایجاد کند و زمینه رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فرد را فراهم سازد.

یکی از مهم‌ترین عناصر در تحقق تربیت دینی، معلم است. معلم به عنوان راهنما و مربی، نقش مهمی در انتقال مفاهیم دینی و شکل‌دهی به نگرش‌های دانش‌آموزان دارد. شیوه تدریس معلم، نوع ارتباط او با دانش‌آموزان، میزان توجه به نیازها و تفاوت‌های فردی و همچنین توانایی ایجاد فضای گفت‌وگو و تفکر در کلاس از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر اثربخشی تربیت دینی تأثیر بگذارند. هنگامی که معلم بتواند محیطی صمیمی، امن و مشارکتی در کلاس ایجاد کند، دانش‌آموزان با علاقه و انگیزه بیشتری به مباحث دینی توجه می‌کنند و فرصت می‌یابند پرسش‌ها و دغدغه‌های خود را مطرح کنند. در چنین فضایی، یادگیری مفاهیم دینی به صورت عمیق‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد.

در کنار نقش معلم، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز بر فرآیند تربیت دینی تأثیر دارند. خانواده، محیط اجتماعی، رسانه‌ها و فضای فرهنگی جامعه از جمله عواملی هستند که می‌توانند نگرش دانش‌آموزان نسبت به دین و ارزش‌های دینی را شکل دهند. بنابراین تربیت دینی تنها به محیط مدرسه محدود نمی‌شود، بلکه نتیجه تعامل میان عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی است. با این حال، مدرسه و معلم به دلیل ارتباط مستقیم و مستمر با دانش‌آموزان می‌توانند نقش مهمی در هدایت و تقویت این فرآیند ایفا کنند.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه تربیت دینی نشان می‌دهد که این موضوع از زوایای گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی پژوهش‌ها به تبیین ماهیت تربیت دینی و امکان شکل‌گیری نظام تربیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی پرداخته‌اند و معتقدند که اهداف و ارزش‌های دینی می‌توانند مبنای شکل‌گیری نظام آموزشی قرار گیرند. در این دیدگاه، دین به عنوان راهنمایی برای هدایت انسان به سوی کمال و تعالی مطرح می‌شود و تربیت دینی نیز در راستای تحقق همین هدف عمل می‌کند.

گروهی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی رابطه میان تربیت اخلاقی، معنوی و دینی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که میان این سه مفهوم ارتباطی نزدیک وجود دارد. تربیت اخلاقی زمینه‌ساز رشد معنوی انسان است و تربیت معنوی نیز در نهایت به تربیت دینی منتهی می‌شود. در این دیدگاه، تربیت دینی مرحله‌ای کامل‌تر از رشد معنوی محسوب می‌شود که انسان را به سوی کمال و تعالی هدایت می‌کند.

برخی مطالعات نیز به آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند چالش‌ها و مشکلات موجود در این حوزه را شناسایی کنند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی، محتوای نامتناسب با نیازهای دانش‌آموزان، روش‌های تدریس غیرجذاب و کمبود مهارت‌های ارتباطی در میان برخی معلمان اشاره کرد. این پژوهش‌ها بر ضرورت بازنگری در اهداف، محتوا، روش‌ها و شیوه‌های اجرای برنامه‌های تربیت دینی تأکید دارند.

پژوهش‌های دیگری نیز به بررسی روش‌های مناسب برای آموزش مفاهیم دینی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های متنوع آموزشی، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، ایجاد انگیزه و تقویت قدرت تفکر و تعقل از جمله عوامل مؤثر در موفقیت آموزش دینی است. همچنین بهره‌گیری از شیوه‌هایی مانند داستان‌گویی، بیان مثال‌های عینی و ایجاد فرصت گفت‌وگو می‌تواند به درک بهتر مفاهیم دینی کمک کند.

در برخی پژوهش‌ها نیز به ویژگی‌های معلم مؤثر در تربیت دینی پرداخته شده است. بر اساس این مطالعات، معلمی که دارای ویژگی‌هایی مانند صداقت، مهربانی، صبر، تواضع، اخلاص و دانش کافی باشد، می‌تواند تأثیر بیشتری بر تربیت اخلاقی و دینی دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان، ایجاد انگیزه در آنان و استفاده از روش‌های مناسب تدریس از جمله عوامل مهم در اثربخشی معلم به شمار می‌آید.

در مجموع، بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تربیت دینی فرآیندی چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. در میان این عوامل، نقش معلم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا معلم می‌تواند با رفتار، گفتار و روش تدریس خود زمینه رشد باورها و ارزش‌های دینی را در دانش‌آموزان فراهم کند. از این رو، توجه به آموزش مهارت‌های ارتباطی و تربیتی معلمان و فراهم کردن شرایط مناسب برای اجرای برنامه‌های تربیت دینی می‌تواند به بهبود کیفیت این فرآیند در نظام آموزشی کمک کند. این پژوهش نیز با رویکرد کتابخانه‌ای به بررسی نقش معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان می‌پردازد و تلاش می‌کند با تحلیل دیدگاه‌ها و پژوهش‌های موجود، راهکارهایی برای تقویت و بهبود این فرآیند ارائه دهد تا زمینه ارتقای سطح آگاهی و نگرش دینی دانش‌آموزان فراهم شود.

## ۱. مفاهیم نظری تحقیق

در هر پژوهش علمی، تبیین مفاهیم اساسی و کلیدی موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا درک صحیح مفاهیم، زمینه فهم دقیق مباحث و نتایج پژوهش را فراهم می‌سازد. در این تحقیق نیز برای روشن‌تر شدن چارچوب نظری، لازم است برخی مفاهیم بنیادین مانند تربیت، دین و تربیت دینی مورد بررسی قرار گیرد. تبیین این مفاهیم کمک می‌کند تا حدود و ابعاد موضوع پژوهش مشخص شود و برداشت مشترکی از اصطلاحات مورد استفاده شکل گیرد. از این رو در این بخش، مهم‌ترین مفاهیم نظری مرتبط با موضوع تحقیق به صورت اجمالی توضیح داده می‌شود.

### ۱.۱. مفهوم لغوی تربیت

واژه تربیت از ریشه «ربو» و «رباب» تفعیل است که بر طبق زبان و ادبیات عرب چون کلمه ای ناقص می باشد مصدر آن بر وزن تفعله خواهد آمد «ربو» به معنی زیاد شدن است و معنای این کلمه و مشتقات آن به نوعی زیاده شدن و فزونی را می رساند. مثلا به تپه «ربوه» گفته می شود زیرا نسبت به سطح زمین برآمده است. راغب معنی اصلی ربو را زیادت و بالا آمدن گفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰) وی می نویسد: «رب در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۷).

تربیت چون از «ربا، یربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رَبْوًا وَرَبَاءً: زَادَ وَنَمَا.»؛ یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۵). در تفسیر بیضاوی در تفسیر سوره حمد تربیت را به کمال رساندن و اندک اندک ساختن ارزنده هر چیزی دانسته است (بیضاوی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰).

از واژه نامه ها برمی آید که تربیت دارای سه ریشه است: «ربا، یربو، ربی، یربی؛ رب، یرب» تربیت چون از «ربا، یربو» باشد معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن، تغذیه کودک است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۱). اگر تربیت برگرفته از «ربی، یربی» باشد، رشد کردن، برآمدن، قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند (زمخشری، ۱۳۹۱ش، ص ۲۱۱).

تربیت از ریشه «رب، یرب» به این معانی آمده: «پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط در آوردن و به اعتدال بردن، استوار و متین کردن و در نهایت اگر درباره انسان به کار افتد جامع ترین معنایش فرهیختن اوست» (زبیدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۱).

تربیت مجموعه اعمالی است که یک فرد به عمد، به منظور اثر گذاری بر شناخت ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتار های انسان یا انسان های دیگر، بر اساس برنامه ای سنجیده، انجام می دهد (داوودی، محمد: «محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)»، ج ۲، تربیت دینی، ص ۲۷، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲، ۱۳۸۴ ش، قم)

تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعداد های درونی ایی که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن (مطهری، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۶).

در قران تربیت در آیات زیادی به کار رفته از جمله: « وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ » (حج: ۵) زمین را خشک و بی حاصل می بینی، پس هنگامی که باران فرو می فرستیم تکانی می خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می شود و « وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنَاهُمَا صَغِيرًا » بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده همان طوری که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند (اسرا: ۲۴).

در سخنان امیرمومنان علی (ع) نیز این گونه وارد شده است: « إِذَا حُبِيَّتْ بِنَحِيَّةٍ فَحَيَّ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، وَإِذَا أُسْدِيَتْ إِلَيْكَ يَدٌ فَكَافُئْهَا بِمَا يُرْبِي عَلَيْهَا، وَالْفُضْلُ مَعَ ذَلِكَ لِلْبَادِي » (نهج البلاغه، حکمت ۶۲) چون تو را درودی گویند، درودی گوی از آن به و چون به تو احسانی کنند، افزونتر از آن پاداش ده و فضیلت او راست که نخست به کار برخاست در اینجا واژه «یربی» به معنای زیادت و فرونی آمده است. همچنین آن حضرت واژه «ربوه» به معنای سرزمین بلند و مرتفع و تپه و پشته در سخنی والا به کار گرفته و فرموده است: «وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ عِبَادِهِ شُحُوصٌ لِحَظَّةٍ وَلَا كُرُورٌ لَفِظَةٍ وَلَا أَزْدِلَافٌ رِبْوَةٍ» بر خداوند پوشیده نیست خیره نگریستن بندگان و نه بازگشتن لفظی بر زبان ایشان و نه نزدیک شدنشان به پشته ای (و افتادن نگاهشان بر آن) (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳) امام علی (ع) در ستایش انصار، آنان را پروراننده و رشد دهنده ای اسلام معرفی کرده و فرموده است: «هُمْ وَاللَّهِ رَبُّوا الْإِسْلَامَ كَمَا يُرْبِي الْفُلُو، مَعَ غَنَائِهِمْ بِأَيْدِيهِمُ السَّبَاطِ وَالسَّيْتِهِمُ السَّلَاطِ» به خدا آنان اسلام را پروراندند، چنانکه کره اسب از شیر گرفته را پروراند، با توانگری و دستهای بخشنده و زبان های برنده (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۵).

پژوهندگان تفسیر نمونه آورده اند: «رب در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می پردازد و باید توجه داشت که رب از ماده «رب» است، نه «ربو» (یعنی ماده اشتقاق آن مضاعف است و نه ناقص) و به هر روی در معنای آن پرورش و تربیت نهفته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۵۴).

تربیت از ریشه «رب، یرب» در معانی زیر آمده است: پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط در آوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن. گویا با لحاظ همین ریشه و معنای تربیت بوده که در اقرب الموارد آورده است: «رباه یربی تربیه: جعله یربو و غذاه و هذبه» او را تربیت کرد؛ یعنی غذا داد و پیراسته اش کرد (الشرطونی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۳۸۶).

نگارنده «التحقیق فی کلمات القرآن» با در نظر داشت همین معنای تربیت می گوید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْإِنْتِفَاحُ مَعَ زِيَادَةٍ بِمَعْنَى أَنْ يَنْتَفِخَ شَيْءٌ فِي ذَاتِهِ ثُمَّ يَتَحَصَّلُ لَهُ فَضْلٌ وَزِيَادَةٌ. وَهَذَا الْمَفْهُومُ قَدْ تَشَابَهَ بِهِ عَلَى اللَّغَوِيِّينَ، فَفَسَّرُوها بِمَعْنَى لَيْسَتْ مِنَ الْأَصْلِ، بَلْ هِيَ مِنْ أثارِهِ وَلِوَاظِمِهِ وَمَا يَقْرُبُ مِنْهُ، كَالزِّيَادَةِ الْمُطْلَقَةِ، وَالْفَضْلِ، وَالنَّمَاءِ، وَالإِنْتِفَاحِ، وَالطُّولِ، وَالْعَظْمِ، وَالزُّكَا، وَالنَّشَأَ، وَالْعُلَا» دیدگاه مطابق با واقعیت آن است که اصل یگانه در معنای این ماده، انتفاح - برجسته شدن - به همراه زیاد شدن است، به این معنا که چیزی در ذات خود برجستگی و گشودگی بیابد و سپس بر آن افزوده گردد. اما این مفهوم بر بسیاری از اهل لغت اشتباه شده و برای آن معناهایی را به حساب آورده اند که با اصل معنای این ماده هم خوانی ندارد، بلکه آن معانی از آثار و لوازم معنای اصلی است، همچون مطلق زیاد شدن، زیاد شدن - از اندازه معمول، رشد و نمو، متورم شدن، افزایش در درازی، افزوده شدن در بزرگی، رشد کردن، نمو کردن و بالا آمدن (مصطفوی، ۱۳۸۵ ش، ج ۴، ص ۳۵).

آنچه در این مقاله از تربیت مد نظر مولف می باشد رشد و تعالی و به کمال رساندن قوه وجودی فرد در مسیر الهی می باشد.

## ۱،۲. مفهوم لغوی دین

خلیل بن احمد فراهیدی درالعین، برای واژه دین سه جزا، عادت و طاعت بیان کرده و می‌گوید: واژه دین در جمله «الجزاء کقولک دان الله العباد یدینهم یوم القیامه ای یحزبهم و هو دین العباد و الدین الطاعة و دانوا لفلان ای اطاعوه» دین به معنی جزا است؛ مانند این که بگویی: خدا روز قیامت دین را ادا می‌کند یعنی جزا را می‌دهد؛ و دین به معنی عبادت نیز هست و مثلاً اگر بگویند «دانوا لفلان» یعنی او را اطاعت کن (فراهیدی، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۱۷۴).

راغب می‌گوید: شریعت را به اعتبار طاعت و فرمان بری دین گویند و آن مانند ملت و طریقه است لیکن انقیاد و طاعت در آن ملحوظ می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۰۰).

ابن فارس، در کتاب معجم مقایس اللغه معنی واژه‌هایی را که ریشه‌های آنها از سه حرف د-ی-ن ساخته شده، به یک معنای اصلی و کلی با می‌گرداند و برای این واژه، بیش از یک معنا را قبول نمی‌کند. به نظر وی معنای اصلی این واژه، انقیاد، اطاعت و پیروی است؛ قوم دین، یعنی گروهی که که مطیع و گوش به فرمان هستند. به شهر مدینه گفته می‌شود؛ زیرا فرمان‌روایان در آن اطاعت می‌شوند و اگر به عبد و امه (برده و کنیز)، اطلاق مدین و مدینه شده، بدان دلیل است که کار و تلاش، آنها را منقاد، مطیع و فرمان‌بر کرده است. وی معنای عادت را که بعضی از لغویان برای دین بیان کرده‌اند، طاعت می‌داند و می‌گوید: این که برخی دین بر عادت انطباق می‌دهند - اگر درست باشد - به این جهت است که وقتی نفس آدمی به چیزی اعتیاد پیدا می‌کند، همیشه همراه اوست و شخص، منقاد عادت می‌گردد و اگر روز قیامت را یوم الدین گفته‌اند، باز بدان دلیل است که همه در آن روز، مطیع، منقاد و فرمان‌بردار هستند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱).

در لسان العرب آمده است که «یوم‌الدین»: «به معنی یوم‌الجزاء است». مثلاً «کما تدینُ تُدان» بدان معنی است که آن طور که مجازات کردی مجازات می‌شوی و بر طبق فعل و عملت با تو برخورد می‌شود؛ آن طور که عمل کردی با تو عمل می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۱۶۹).

طبرسی می‌گوید: «مراد از دین فرمانبرداری است و اصلش از پاداش است» (یعنی خداوند به طاعت پاداش خواهد داد) (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۶۶).

صاحب کتاب قاموس قرآن نظر و قول طبرسی را در وجه تسمیه از قول راغب (که قبلاً نقل شد) بهتر می‌داند و گفته است که به همین دلیل شریعت را دین گفته‌اند که در آن طاعت و پاداش هست (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸۱).

دین در لغت به معنای جزا، اطاعت و انقیاد آمده است (زبیدی، بی تا، ج ۳۵، ص ۵۴). دین، روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو، لازم است شریعت، در برگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید (علامه طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۳۰).

دین در لغت به معنی «جزا» است و روشن‌ترین برنامه‌ای که در قیامت اجرا می‌شود همین برنامه جزا و کیفر و پاداش است. در آن روز پرده از روی کارها کنار می‌رود، و اعمال همه دقیقاً مورد محاسبه قرار می‌گیرد و هر کس جزای اعمال خویش را اعم از خوب و بد می‌بیند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۱).

دین در اصطلاح دین‌شناسان اسلامی به معنای مجموعه قوانینی که از جانب خدا برای هدایت و راهنمایی انسان فرستاده شده است می‌باشد و دارای سه بخش است:

- عقاید یعنی باورکردن آن چه حقیقت دارد.

- احکام یعنی انجام کارهایی که آرامش فرد و جامعه را تضمین می‌کند و آدمی را به سعادت می‌رساند.

- اخلاق یعنی دارا بودن صفاتی که انسان را از سایر موجودات جهان جدا کرده، شایستگی نام انسان را به او می‌دهد و دور کردن صفاتی که انسان را به خلق و خوی حیوانات شبیه و یا حتی از آنها نیز پست‌تر می‌نماید (جباران، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۸). آنچه در این مقاله از نظر دین‌مورد نظر مولف است همان قوانین و احکامی است که خدا برای انسان‌ها تعیین کرده است و افراد مسلمان بر آن روش هستند.

### ۱.۳. مفهوم اصطلاحی تربیت دینی

به گفته شهید مطهری: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن و لهذا تربیت در مورد جانداران یعنی گیاه، حیوان و انسان صادق است و اگر در مورد غیر جان دار این کلمه را به کار ببریم مجازاً به کار برده ایم نه این که به مفهوم واقعی آن شیء را پرورش داده ایم» (شهید مطهری، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۵۶).

بر همین مبنا، این تربیت کردن ها به معنی شکوفا کردن استعداد های درونی و باطنی آن موجودهاست و از همین جا مشخص می شود تربیت ملزم به تبعیت و پیروی از فطرت می باشد؛ یعنی تابع و پیرو و خلقت شیء باشد. اگر هدف این باشد یک شیء شکوفا بشود باید تلاش کرد همان استعدادی که در آن هست آشکار شود و ظهور کند، اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، واضح است چیزی را که نیست و وجود ندارد نمی شود آن را پرورش و تربیت داد. مثلاً استعداد درس خواندن در یک حیوان وجود ندارد به همین جهت ما نمی توانیم به یک حیوان مثلاً ریاضیات یاد بدهیم که مسائل حساب و هندسه را جواب دهد؛ زیرا استعدادی که در او وجود ندارد نمی شود پرورش و تربیت داد (نور الدهر یزدی، ۱۳۹۵ش، ص ۷۷).

امام راحل «ره» در این زمینه می فرماید: «اساس عالم بر تربیت انسان است انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده اند برای این که این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجود الهی بشود که این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است» (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۴، ص ۱۵۳).

منظور از «تربیت دینی» مجموعه اعمالی عمدی و هدف دار، به منظور آموزش گزاره معتبر یک دین (اسلام) به افراد دیگر است به نحوی که آن افراد در عمل و نظر بر آن آموزه ها متعهد و پایبند گردند (داوودی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۶). مقصود از تربیت دینی؛ فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی است (ابوطالبی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۳).

تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بخشی از تربیت دینی است، نه چیزی جدا و مستقل از آن بنابراین اولاً تربیت اخلاقی را نباید از تربیت دینی جدا کرد، ثانیاً تربیت اخلاقی بدون تربیت دینی نمی تواند با موفقیت همراه باشد. از قضا صاحب نظران تربیت اخلاقی در دنیای معاصر نیز به این نتیجه رسیده اند که تربیت اخلاقی حتی در کشورهای سکولار نیز بدون تربیت دینی نمی تواند به اهداف خود نائل آید زیرا آراستگی به فضیلت های اخلاقی ثمره ایمان راسخ به خدا (تربیت دینی) است. بسیاری از محققان به این نتیجه رسیده اند که تنها آگاهی از ارزش ها، انگیزه لازم برای عمل بر طبق آن ها را در شخص ایجاد نمی کند. سر آن، این است که انگیزه عمل بر طبق این ارزش ها، ریشه در اعتقادات بنیادین درباره جهان هستی و زندگی انسان در این جهان دارد و این باورهای بنیادین عمدتاً باورهای دینی هستند. از این رو آموزش های دینی بخش جدایی ناپذیر تربیت اخلاقی است... بنابراین می توان گفت اخلاق زیر مجموعه ای از دین است و تربیت اخلاقی جزئی از تربیت دینی است (داوودی، ۱۳۷۸ش، صص ۸۰-۸۱).

در نظر مولف آن چه با عنوان تربیت دینی بیان می شود این است که رفتار، گفتار و عمل فرد بر اساس مبانی و ساختار اسلام و قران و هم چنین رهرو راه انبیا و امامان باشد تا زمینه ساز سعادت وی در زندگی دنیا و آخرت گردد.

### ۲. گونه شناسی تأثیرات معلم در تربیت دینی دانش آموزان

معلم به عنوان یکی از مهم ترین ارکان نظام آموزشی، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری شخصیت و باورهای دینی دانش آموزان دارد. تأثیرگذاری معلم تنها به انتقال مفاهیم آموزشی محدود نمی شود، بلکه ابعاد اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و رفتاری دانش آموزان را نیز دربرمی گیرد. نوع رفتار، شیوه تعامل و ویژگی های شخصیتی معلم می تواند زمینه گرایش یا فاصله گرفتن دانش آموزان از ارزش های دینی را فراهم سازد. از این رو، در این بخش گونه های مختلف تأثیرات معلم در فرآیند تربیت دینی دانش آموزان مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۲.۱. تأثیرات اعتقادی معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان

محمدی نیا در کتاب «جایگاه معلم و مبلغ در قرآن کریم» می‌گوید: «امروزه همه علماء، معلمان و اساتید... باید تمام تلاش خود را صرف شناساندن توحید نمایند تا توده مردم به ویژه جوانان را با آن فطرت توحیدی که دارند به طرف خداوند و احکام نورانی اسلام سوق دهند... و اگر چنین کنند ما شاهد برخی انحرافات فکری و اخلاقی نخواهیم بود» (محمدی نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۵۴).

معلم باید علاوه بر این که خود را به اسباب و علم و عمل صالح زینت می‌بخشد و در راه تعلیم و تربیت، در حد توانایی خود تدبیر و تلاش می‌نماید، توکل بر خدا را فراموش ننماید و از او یاری و هدایت طلبد زیرا تنها یاور کفایت‌کننده، خداوند رب العالمین است، چنانچه حضرت علی می‌فرماید: «وَأَسْتَهْدِيهِ قَرِيْبًا هَادِيًّا وَأَسْتَعِيْنُهُ قَاهِرًا قَادِرًا، وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيًّا نَاصِرًا» از او هدایت می‌طلبم چون راهنمای نزدیک است، و از او یاری می‌طلبم که توانا و پیروز است، و به او توکل می‌نمایم چون تنها یاور و کفایت‌کننده است (نهج البلاغه، خطبه ۸۳).

مرحله انکار با دل و زبان، به مرحله فردی امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد و همه مسلمانان در این مرحله موظفند که امر به معروف و نهی از منکر کنند، اما مرحله انکار با دست، که برخورد قانون‌مند با منکرات است و گاهی با اعمال زور و قانون همراه است، از شئون حکومت اسلامی و حاکم شرع است و بدون اجازه حاکم شرع، هیچ شخصی مجاز به امر به معروف و نهی از منکر عملی نیست. به هر حال، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه بسیار مهمی است که ضامن سلامت و سعادت جامعه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش، ج ۳).

یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر این است که شخص امر این است که شخص امر کننده یا نهی کننده، خود نیکوکار باشد، و از بدی‌ها دوری کند. حضرت علی(ع) در این مورد در نامه‌ای به فرزند بزرگوار خود امام حسن مجتبی(ع) این چنین سفارش نموده است: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَ أَنْكِرِ الْمُنْكَرَ يَبْدِكَ وَ لِسَانِكَ، وَ بَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ» به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دست و زبان بدی‌ها را انکار کن و بکوش تا از بدکاران دور باشی (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

لذا ویژگی برجسته معلمین، در مرحله اول این است که نفس خود را از بدیها و زشتی‌ها منع کنند و بعد از آن، به دعوت شاگردان خود به نیکی و پرهیز دادن آن‌ها از بدی‌ها بپردازند (دهقان رجبی، ص ۵۸).

در نتیجه نقش معلم در تربیت نسل جوان و ترویج احکام اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معلمان باید با معرفی توحید و اصول دین، جوانان را از انحرافات فکری دور کنند و خود را با علم و عمل صالح مجهز سازند. توکل بر خدا و نیکوکاری در امر به معروف و نهی از منکر، از دیگر وظایف اساسی آن‌هاست. با رعایت این اصول، معلمان می‌توانند تأثیر عمیقی در شکل‌گیری شخصیت دینی و اخلاقی نسل آینده داشته باشند و به سلامت و سعادت فرد، تقویت اعتقادات و تربیت دینی دانش‌آموز کمک کند.

## ۲.۲. تأثیرات اخلاقی معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان

رشیدپور در کتاب «چگونه می‌توان تربیت کرد» از قدرت و نفوذ معنوی معلم این چنین می‌گوید: «خداوند انسان‌ها را آفرید، وسیله و ابزار تربیت و ساختن را به معلمان و مربیان واگذار کرد و چون نقش معلم ساختن و پرداختن بود به او نفوذ کلمه بخشید تا در پرتوش انسان‌ها ساخته شوند. تمام انسان‌هایی که در دنیا ساخته و پرداخته شده‌اند همه در پرتو این نفوذ معنوی بوده است به عبارت دیگر اگر این اثر معنوی و نفوذ کلام معلم نبود، هیچگاه انسانی ساخته نمی‌شد... و هر قدر اخلاق و معنویت در معلم افزایش یابد، این نفوذ بیشتر خواهد شد» (رشیدپور، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷).

یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی معلم صبر و شکیبایی است، همانگونه که پیامبران و امامان در اجرای دستورات و احکام الهی صبر و شکیبایی را پیشه خود قرار دادند، معلمان نیز باید در مسیر تبلیغ دین و تعلیم و تربیت نوجوانان، تمام سختی‌ها را تحمل کرده و شکیبایی را لازمه راه خود بدانند چنان که قرآن می‌فرماید: « وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ » و از آن‌ها امامانی قرار دادیم که به فرمان ما امر هدایت خلق خدا را برعهده گرفتند، زیرا آن‌ها شکیبایی کردند و در آیات ما مقام یقین یافتند (سجده: ۲۴).

انسان متواضع به فردی می گویند که خود را کوچکتر و پایین تر از آنچه هست نشان می دهد، اما انسان متکبر به خاطر کمبود روحی که دارد سعی می کند خود را از آنچه هست بزرگتر نشان دهد. یکی از خصلت های پیامبران آن بود که در برابر توده مردم تواضع می کردند تا از این طریق دل های مردم را به خودشان جذب نمایند و در اثر جذب دل ها بتوانند معارف توحیدی را به آنان منتقل کنند و مردم را از شرک و کفر نجات دهند (محمدی نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۸۹). خداوند در قرآن کریم رسول خدا (ص) را به اخلاق عظیم می ستاید و یکی از علل پیشرفت اسلام و موفقیت پیامبر اکرم(ص) در جذب مردم به اسلام را، اخلاق نیکوی آن حضرت می داند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» و تو ای پیامبر اخلاق عظیم و برجسته ای داری (قلم: ۴). هم چنین حق تعالی می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» در پرتو رحمت و لطف پروردگار، تو با مردم نرم و مهربان شدی در حالی که اگر خشن، تندخو و سنگدل بودی از اطرافت پراکنده می شدند (آل عمران: ۱۵۹). اگر این اخلاق کریمانه و مهربانی پیامبر نبود، در صدر اسلام ان مردم خشن، در آموزش اسلام قرار نمی گرفتند و همه از اطراف پیامبر پراکنده می شدند (شمسی پور، ۱۳۹۰ش، ص ۸۶).

نقش محبت در تربیت بسیار موثر است و مفید ترین روش های تربیت به نیروی محبت کارایی پیدا می کند. نیروی محبتی از نظر تربیتی نیرویی عظیم و کار ساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸). بخش مهمی از وقت کودکان و نوجوانان به عنوان دانش آموز در مدرسه و در کلاس درس و در تعامل با معلم می گذرد از سوی دیگر، تعامل معلم و دانش آموز بخش عمده ای از فعالیت های آموزشی و پرورشی مدرسه را تشکیل می دهد. لذا معلم و مربی به عنوان یکی از عوامل موثر در تربیت خصوصا دینی - اخلاقی، می تواند نگرش ها، ارزش ها، باورها و شناخت دینی خاصی را در دانش آموز ایجاد، تقویت و یا تضعیف کند. تا جایی که ویژگی های فردی و شخصی معلم نیز می تواند بر دانش آموز و تربیت دینی - اخلاقی او تاثیر بگذارد (داوودی، ۱۳۹۰ش، ص ۸۹).

یکی دیگر از مواردی که معلم باید در نظر بگیرد ایجاد و تقویت باورها است. در تربیت دین - اخلاقی باور ها نقش بسیار مهمی دارند. وجود انسان باورها را می سازد و برپای می دارند، به حرکت وادار می کنند و سرانجام جهت می دهند. باورها واسطه فهم و بصیرت و دریافت آدمی از پدیده های هستی اند. باورها باعث فعالیت مطلوب و معقول در انسان می شود (کیومرثی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۳). قرآن می فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» آیا او ندانست که خداوند می بیند؟ (علق: ۱۴). توجه به این واقعیت که هر کاری که انسان انجام میدهد، در پیشگاه خداوند است و چیزی از اعمال و حتی نیات آدمی از او پنهان نیست، می تواند روی برنامه زندگی انسان اثر زیادی بگذارد و او را از خلافتکاریها باز دارد؛ مشروط بر این که ایمان به این مطلب، در دل او جای گیرد و بصورت یک باور درآید (مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۱۴۴). انسان باید باور داشته باشد که خوب، خوب است و بد، بد. و باور داشته باشد که حق، حق است. و باور کند که انسان است و برای هدف خاصی آفریده شده است، و در زندگی باید خوب بود تا سرانجام خوبی داشت، و... (کیومرثی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۴).

یکی دیگر از ویژگی های کمال هر معلم میزان گذشت و عفو اوست. گاهی مواقع شاهد بوده ایم که دانش آموزی که مرتکب اشتباه گردیده و توسط معلم مورد بخشش قرار گرفته بیشتر مورد تربیت قرار گرفته تا دانش آموزی که بخاطر اشتباه خویش مورد تنبیه قرار گرفته است (جودی پور، ۱۴۰۱ش، ص ۴۴). خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» با مردم، عفو و گذشت را پیشه کنند و از بدیها درگذرند آیا دوست نمی دارید که خدا هم در حق شما آمرزش واحسان نمایند؟ (نور: ۲۲) و در جای دیگر می فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» بدی را به شیوه ای نیکو دفع کن، ناگاه می بینی همان کسی که میان تو و او دشمن است، گویی دوستی گرم و صمیمی است (فصلت: ۳۴). امام خمینی (ره) در رابطه نقش تربیت با گرایش یا گریز جوانان نسبت به دین می فرماید: «انسان از اول این طور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد. از اول با فطرت خوب به دنیا آمده؛ با فطرت الهی به دنیا آمده «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَدُّ عَلَى الْفِطْرَةِ» (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۳، ص ۲۸۱) این تربیت هاست که یا همین فطرت ها را شکوفا می کنند؛ و یا مانع شکوفایی فطرت انسانی است. این تربیت هاست که یک مملکت را ممکن است به کمال مطلوبی که از هر جامعه انسانی است برساند؛ و همین تربیت ها یا تعلیم

های بدون تربیت ممکن است که این‌ها در آن وقتی که مقدرات یک کشوری به دست آن‌هاست و همه چیز یک کشور به دست آن‌هاست کشور را به تباهی بکشند» (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۴، ص ۲۳).

در نهایت آن چه می‌توان گفت این است که، نقش معلم در تربیت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است و ویژگی‌های فردی و اخلاقی معلم می‌تواند تأثیر عمیقی بر فرآیند تربیت داشته باشد. در نهایت، معلمان به عنوان الگوهای اخلاقی و دینی، مسئولیت خطیری در تربیت نسل آینده دارند و باید با ویژگی‌های مثبت خود، به بهترین نحو ممکن در این مسیر گام بردارند.

### ۲.۳. تأثیرات اجتماعی معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان

بعد تأثیرگذار نقش معلم در فرهنگ اسلامی است که بسیار با اهمیت و با ارزش است. توقع اصلاح جامعه بدون اصلاح مربیان و معلمان توقعی بی‌جا و نارواست و از سوی دیگر این معلم است که هنجارها و فرهنگ‌های اجتماعی را با گفتار و رفتار خود به دانش‌آموزان معرفی می‌کند و به نوعی انتقال دهنده میراث بزرگ فرهنگی جامعه به دانش‌آموزان است (جودی پور، ۱۴۰۱ش، صص ۴۹-۵۰).

در فرآیند فرهنگی و ساختار اجتماعی یک جامعه معلمان نقش اساسی دارند به طوری که تمدن هر کشور، تاریخ معلمان کشور است (طیب، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴).

در قرآن کریم نیز آمده است: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» رسول در بزرگواری را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت می‌کند تا آنان را که ایمان آورده به سوی نور ایمان و تقوی و سعادت هدایت می‌کند (طلاق: ۱۱).

هم چنین در سوره مائده آمده است: «مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بدون آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مانند این است که همه مردم را به قتل رسانده، و هر کس نفسی را زندگی بخشد (از مرگ نجات دهد) مانند این است که همه مردم را زندگی بخشیده است. و هر آینه فرستادگان ما به سوی آنان با معجزات آشکار آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از ارسال پیامبران و فرستادگان باز روی زمین بنای فساد و طغیان را گذاشتند (مائده: ۳۲).

با توجه به تفسیری که امام صادق (ع) از این آیه شریفه بیان کرده اند، اگر فردی بتواند یک نفر را درست تربیت کند و یک باسواد متعهد و مسولیت پذیر تحویل وارد جامعه کند، همانند این است که جهان را زنده کرده است. ایشان بیان می‌کنند، پایداری دنیا به چهار چیز است: اول به دانا و عالمی است که ناطق و عمل کننده به کارش باشد، دوم به جاهلی و نادانی که متکبر نباشد از تحصیل علم و دنبال کسب علم برود، سوم به ثروتمندی است که بخل و حسادت نکند از بذل واجبات مالش در راه خدا به فقرا و صرف در مقاصد عام المنفعه، چهارم به فقیری است که نفروشد دین خود را به دنیا، پس اگر عمل نکند عالم ناطق (معلم) به عملش و تکبر کند، جاهل از طلب علم و بخل بورزد غنی و مالدار از بذل زیادی اموال خود در راه خدا و بفروشد فقیر دینش را به دنیا، بازگشت می‌کند دنیا به سوی قهقرا و توحش. در این گفتار ارزشمند معلم در مرتبه بالا قرار گرفته و مقام او در پایداری دنیا بیان شده است (مظاهری، ۱۳۷۱ش، ص ۶۵).

امام خمینی می‌فرمود: «معلمان خیلی مقام بزرگ دارند و خیلی مسئولیت بزرگ. اگر معلمان ما کوتاهی کنند در تعلیم، مسئول هستند. معلمین هستند که می‌توانند مملکت را حفظ کنند، استقلال مملکت را. جوانهای ما، آنهاهایی که مقدرات مملکت به دست آنها خواهد بود، زیر دست معلمین باید تربیت بشوند؛ اگر تربیت صالح شدند مملکت صالح به دست ما می‌افتد و اگر -خدای نخواست- تربیت‌های غیر الهی شد مملکت از دست می‌رود. معلم! بیدار شو» (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۱۶۲-۱۶۳).

می‌توان نتیجه گرفت که نقش معلم در فرهنگ اسلامی و اصلاح جامعه دارای اهمیت بالایی می‌باشد. معلمان به عنوان یک عامل انتقال هنجارها و فرهنگ‌های اجتماعی، دارای مسئولیت بزرگ‌تر است؛ زیرا اصلاح جامعه بدون توجه به مربیان و معلمان،

امکان پذیر نیست. در نهایت، معلمان نه تنها در آموزش علم و دانش، بلکه در شکل‌دهی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیز نقش حیاتی و پررنگی دارند و باید مورد توجه و حمایت قرار گیرند تا بتوانند تأثیر مثبت‌تری بر نسل‌های آینده بگذارند.

## ۲.۴. تأثیرات فرهنگی معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان

مقام معلم مقام تعالی و بالایی است، جایگاهی است که بالاتر از جایگاه معلم نیست و به خاطر این است که وارثان انبیاء محسوب می‌شوند. در مکتب اسلام تمام افرادش باید معلم باشند و تمام افراد متعلم همه باید هم تحصیل کنند و هم تدریس نمایند. یکی دیگر از عوامل مهم در بحث موفقیت دانش‌آموزان میزان شناخت آنان از جایگاه و ارزش خود است اگر معلم در این زمینه موفق عمل نکند موجب می‌شود دانش‌آموزان هم با مشکلات شخصیتی بسیاری دچار شوند و در جوانی که سن رشد و ترقی و پرتگاه موفقیت است، تن به کارهایی بدهند که خفت بار است و آن‌ها را از مسیر سعادت و هدایت به راه‌های متضاد با منزلت انسانی بکشاند؛ لذا واجب است بر هر معلمی تا در این مسیر تمامی تلاش خویش را در چارچوب لازم بکار بگیرد تا بتواند در ابتدا دانش‌آموزان را با جایگاه واقعی و ارزش خود آشنا کند و سپس زمینه دین‌گریزی جوانان را از این جهت به حداقل برساند (جودی پور، ۱۴۰۱ش، ص ۴۹ و ص ۵۴).

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «دوره مدارس مهم‌تر از دانشگاه است؛ چرا که رشد عقلی بچه‌ها در این دوره شکل می‌گیرد. باید سعی کنیم تا کسانی که فرزندان ما را فاسد بار می‌آورند، به مدارس و دانشگاه‌ها وارد نشوند و در این امر مسامحه نباید کرد. ممکن است الان کاری نتوانند بکنند، ولی تا ده سال دیگر کارشان را انجام می‌دهند. ما برای اسلام این همه جوان داده ایم، لذا باید نگذاریم خون آنان هدر رود. ما دانشمندی که برای بشریت مضر است را می‌خواهیم چه کنیم؟ امروز دنیا در آتش دانش‌دانشمندان مضر می‌سوزد. این سلاح‌های مخرب و بمب و موشک را همین دانشمندان ساخته‌اند، از این رو دانش باید همراه با تزکیه باشد، اصلاً تزکیه بر دانش مقدم است» (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۱۹، ص ۱۸۹).

یکی از بهترین ویژگی‌های معلم شخصیت علمی اوست؛ زیرا بسیاری از پیشرفت‌های جامعه آموزش و پرورش در محیط مدرسه و در گرو میزان درجه علمی و توانایی معلمان و اندازه تسلط آن‌ها بر رشته تخصصی مورد نظرشان است. معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد، ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد (جودی پور، ۱۴۰۱ش، ص ۷۴). پس از نیازهای ضروری هر معلم این است تا در شاخه تخصصی رشته خود به سمت مدرج بالاتر قدم بردارد. این ترقی در سطح علمی نه تنها اگر نقصی در علوم پیشین معلم باشد برطرف می‌نماید و دانش او را کامل می‌گرداند؛ بلکه موجب افزایش سطح علمی آموزش و پرورش می‌گردد که در کنار آن آینده دانش‌آموزان نیز در کسب علم درخشان‌تر خواهد شد و هم چنین باعث مقبولیت و محبوبیت هر چه بیشتر معلمان نزد دانش‌آموزان می‌گردد. بدین صورت معلمی از نظر علمی قوی‌تر است که به روش‌های ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط جدید و نو آگاه و بر آن‌ها مسلط باشد. چنین معلمی به عنوان یک الگو کامل و مناسب در میان دانش‌آموزان زمینه هدایت و موفقیت آنها را فراهم سازد (دهنوی، ۱۳۸۱ش، ص ۷۰).

برای فرهنگیان مسئولیت زیاد هست. هر چه شغل بزرگ باشد، مسئولیت به همان اندازه بزرگ و عظیم است. مسئول تمام سرنوشت‌هایی که برای یک کشوری رقم می‌خورد، مسئول تمام آدم‌هایی که باید انسان بشوند، مسئول همه جوان‌هایی که تحت نظر آنها باید تربیت بشوند. تربیت باید بشود انسان در محضر فرهنگیان، معلم؛ و سرنوشت هر کشور و ملیتی به دست همین‌هاست که از فرهنگ بیرون می‌آیند؛ و پیشرفت هر ملیت و عقب ماندگی هر کشوری باز به دست فرهنگیان و مربیان و معلمان است. معلم است که با ساختن خود، انسان‌ها را، کشور را جلو می‌برد؛ و معلم است که اگر خدای نخواستہ کج روی و اشتباهی در عمل، کردار و گفتارش رخ دهد، کشور را خراب می‌کند. معلم است که انسانها را پرهیزگار و پارسا تربیت می‌کند، متعهد و مسولیت‌پذیر بار می‌آورد، و یا انگل پرورش می‌دهد و وابسته. همه از مدرسه‌ها شروع می‌شود. همه خوشبختی‌ها و سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها و بدبختی‌ها انگیزه‌اش از مدارس است، و کلیدش دست معلمین و فرهنگیان است (خمینی، ۱۳۸۹ش، ج ۷، صص: ۴۲۹-۴۲۷) (سخنرانی در جمع فرهنگیان اصفهان - حسینیہ جماران).

بنابراین نقش معلم در فرهنگ اسلامی و تربیت نسل جوان بسیار حیاتی و ارزشمند است. معلمان به عنوان انتقال‌دهندگان آداب اجتماعی و فرهنگی می‌باشند، و هم‌چنین با جایگاه اجتماعی خود آداب و ارزش‌ها را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنند، زیرا معلمان با ارزشمند شمردن و بیان شأن اجتماعی شغل خود و ادای حسن وظیفه در جایگاه خود، به بهبود جامعه کمک می‌کنند. هم‌چنین، تمدن هر کشور به تاریخ معلمان آن وابسته است و در قرآن کریم نیز به اهمیت رسالت معلم در هدایت انسان‌ها اشاره شده است. مقام معلم در مکتب اسلامی بسیار والا بوده و او باید با تعهد و تلاش مستمر به تربیت علمی، اخلاقی و دینی بپردازد تا جامعه‌ای سالم و پیشرفته بسازد.

## ۲.۵. تأثیرات رفتاری معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان

اهمیت انتخاب راه و روش در میزان موفقیت هر فعالیتی بسیار زیاد است تا آنجا که گاهی بهترین مربیان با بالاترین دانش و اطلاعات، به علت انتخاب روشی نامناسب به نتیجه نمی‌رسند. البته این نکته نیز قابل تأمل است که یک روش هر اندازه خوب هم باشد، به تنهایی نمی‌تواند مربی را موفق کند. مربی باید با توجه به کلیه عوامل اثرگذار در تربیت و طبق شرایط، از روش‌های گوناگون بهره‌برد (کیومرثی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۸).

یکی از روش‌های مفید در تربیت دینی استفاده از تمثیل است. برای تفهیم مطالبی که از ذهن مخاطب دور است، از مطالبی استفاده می‌شود که ذهن او انس بیشتری با آن‌ها دارد؛ به تعبیر دیگر «مثل» به معنای توصیف مقصود است به چیزی که آن را مجسم ساخت است و ذهن شنونده را به آن نزدیک می‌گرداند (زهادت، ۱۳۸۶ش، ص ۱۹۰). برای مثال در قرآن آمده است: «وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» ای پیامبر زندگی دنیا را برای آنان به آبی مانند کن که از آسمان نازل می‌کنیم؛ و به سبب آن گیاهان زمین (سرسبز می‌شود) و در هم فرو می‌رود، اما بعد از مدتی خشک می‌شود، و بادها آن‌ها را به هر سو متفرق می‌کند، و خدا بر همه چیز توانا است (کهف: ۴۵).

استفاده از داستان به منزله ابزاری برای رشد و ارتقاء آگاهی و بصیرت دینی پیشینه‌ای دراز دارد. خداوند متعال در قرآن کریم از این روش بسیار استفاده کرده است. قرآن کریم، این کتاب الهی، حاوی داستان‌های واقعی فراوان است که بخش قابل توجهی از آن به نقل قصه‌های راستین انبیا و بزرگان اختصاص یافته و این خود نشانه اهمیت این روش در ارتباط با تفهیم تعالیم ارزشمند دینی است (دهقان رجبی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱۳).

حضرت علی در این باره می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِيْعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَاحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ» قرآن را بیاموزید، که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید، که بهار دل هاست. از نور آن شفاء و بهبودی بخواهید که شفاءی سینه‌های بیمار است، و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سود بخش‌ترین داستان هاست (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). هم‌چنین در قرآن کریم آمده است «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ» ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق قرآن - که بر تو وحی کردیم - بر تو بازگو می‌کنیم؛ و مسلماً پیش از این، از آن خبر نداشتی (یوسف: ۳). «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» در سرگذشت آن‌ها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود. اینها داستان دروغین نبوده، بلکه (وحی آسمانی است) و هماهنگ است با آن چه پیش روی او (کتاب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان بیاورند (یوسف: ۱۱۱).

قصه‌های آورده شده در قرآن کریم، در بردارنده درس‌های ارزنده‌ای در زمینه‌های گوناگون هستند. بطور نمونه در شرایطی که مومنان در چنگال دشمنان نیرومندی گرفتار بودند؛ دشمنانی که هم از نظر جمعیت و شمار و قدرت و قوت بر آن‌ها برتری داشتند و این اقلیت مسلمان، تحت فشار آن اکثریت بودند. خداوند در سوره قصص داستان قوم بنی اسرائیل را که در چنگال فرعونیان اسیر بودند و شباهت زیادی به وضعیت مسلمانان داشت، را برای آن‌ها بازگو می‌کند. حدود نیمی از آیات را داستان موسی و بنی اسرائیل و فرعونیان تشکیل می‌دهند، مخصوصاً در آغاز سوره، نوید حکومت حق و عدل برای مستضعفان و بشارت درهم

شکستن شوکت ظالمان بازگو شده است. این گونه خداوند با آوردن داستانی، امید به حق و عدالت را در دل های مومنان زنده می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۶، ص ۱۷۷).

علاوه بر قصه های قرآن کریم، پیامبر اسلام و ائمه معصومین نیز برای سخنانشان از داستان های جالب و زیادی استفاده کرده اند (کیومرثی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۰). برای نمونه می توان به این مورد اشاره کرد که از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «پیامبر خدا، نماز صبح را با مردم خواند. سپس جوانی را در مسجد دید که از شدت بی خوابی سر می جنباند. رنگش زرد بود، جسمش لاغر و چشمانش در کاسه سر فرو رفته بود. پیامبر (ص) به وی فرمود: جوان! چگونه صبح کردی؟ گفت: ای پیامبر! با یقین صبح کردم. پیامبر (ص) از سخنش شگفت زده شد و فرمود: هر یقینی حقیقتی دارد. حقیقت یقین تو چیست؟ گفت: ای پیامبر! یقین من همان است که مرا اندوهگین ساخته و شبها بیدار نگاهم داشته و روزها (با روزه داری) تشنه ام کرده است. خود را از دنیا و آنچه در آن است، رها ساختم. گویا بر عرش پروردگارم می نگرم که برای رستخیز برپا شده، و مردم برای حسابرسی از قبرها سر برآورده اند و من در میان آنانم. پیامبر خدا به یارانش فرمود: «او بنده ای است که خداوند دلش را به نور ایمان روشن ساخته است. سپس فرمود: آنچه داری نگهدار! جوان گفت: ای رسول خدا! برایم دعا کن که همراه تو به شهادت نایل آیم! پیامبر (ص) برایش دعا کرد. چیزی نگذشت که در یکی از جنگهای پیامبر شرکت جست و پس از به شهادت رسیدن نه نفر، به شهادت رسید و او دهمین نفر بود» (کافی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۵۳).

یکی دیگر از روش های موثر در تربیت دینی روش ارائه اسوه و الگو و معرفی نمونه ای حقیقی است مطابق این شیوه، مربی می کوشد کسانی را که افکار، گفتار و کردار آنها می تواند قابل اسوه شدن برای دانش آموزان باشد معرفی و دانش آموزان را به پیروی از رفتار های آنها تشویق و رهنمون کند (کیومرثی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۴).

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلْاِحْتِهَادَ» مردم را دعوت کنید اما نه با زبانتان، تا مردم از شما تلاش و کوشش و راستی و تقوا ببینند (کلینی، ۱۳۹۹ش، ج ۲، ص ۷۸).

اگر دانش آموز مفاهیم دینی و ارزشی را که در کلاس می آموزد، در رفتار معلم و شیوه رفتاری و گفتاری وی ببیند، نه تنها او را به منزله یک الگو استفاده می کند؛ بلکه برای پایداری شناختی، احساسی و شخصیتی خود نیز بهره مند می شود، ولی اگر دانش آموز آموخته های خود را در معلم نبیند، دچار ناهماهنگی و تناقض شناختی و ارزشی می شود؛ بنابراین لازم است که معلم به مثابه در دسترس ترین الگوی تربیتی، نقش خود را برای دانش آموز ایفا کند (کردی، ۱۳۷۸ش، ص ۵۸).

تماشای زیبایی طبیعت، اندیشه و دقت در شگفتی ها و عجایب آن و فکر کردن درباره ی خلقت موجودات طبیعی، اثری تاثیرگذار و عمقی در تلطیف عواطف، تعالی احساسات، گسترش روح و صفا و سلامت روان خواهد داشت و این همه موجب درست دیدن، درست اندیشیدن، بلند نظری، حقیقت گرایی، سعه صدر، خیر طلبی، آشنایی با رموز نهفته در طبایع هستی، قاعده یابی و داناتر شدن نسبت به واقعیت زندگی خواهد شد. اینها همه نمادهایی از تربیت دینی و نشانه هایی برای پرورش حس مذهبی اند (کریمی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۵۶). لذا مربیان برای رسیدن به مقاصد تربیتی خود در به کار گیری از این روش باید کارکردهای تربیتی و روش اجرای درست فعالیت هایی چون اردوهای علمی و گردش های تربیتی را خوب بشناسند و از آن درست استفاده کند (دهقان رجبی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۰).

بنابراین می توان گفت در نهایت، تربیت دینی موفق نیازمند ترکیبی از روش های متنوع و کارآمد است که شامل استفاده از تمثیل، داستان و الگوهای رفتاری مناسب می شود. مربیان باید با دقت و آگاهی به انتخاب و اجرای این روش ها بپردازند تا بتوانند تأثیرگذاری بیشتری بر متربیان و دانش آموزان خود داشته باشند و مفاهیم دینی را به شکل مؤثری منتقل کنند.

## نتیجه گیری

تأثیر معلم در تربیت دینی دانش آموزان به عنوان یک عامل کلیدی در شکل گیری هویت اخلاقی و معنوی آنان، غیرقابل انکار است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که معلمان با ایجاد فضایی مثبت و حمایتگر، می توانند به ترویج ارزش های دینی و اخلاقی در دانش آموزان کمک کنند. از طریق روش های آموزشی مناسب و ارتباط مؤثر با دانش آموزان، معلمان می توانند مفاهیم دینی را

به‌طور جذاب و قابل فهم ارائه دهند و انگیزه یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت کنند. همچنین، الگو بودن معلمان در رفتار و نگرش‌های دینی، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری ارزش‌ها و رفتارهای دینی دانش‌آموزان دارد. به علاوه، چالش‌هایی نظیر فشارهای اجتماعی و فرهنگی، ممکن است بر فرآیند تربیت دینی تأثیرگذار باشد. بنابراین، ضروری است که معلمان نه تنها به انتقال دانش دینی بپردازند، بلکه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی خود را تقویت کنند تا بتوانند به‌طور مؤثری با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند و فضایی برای بحث و تبادل نظر فراهم آورند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که نظام‌های آموزشی با توجه به اهمیت تربیت دینی، برنامه‌های آموزشی و دوره‌های تخصصی برای معلمان طراحی کنند تا آنان بتوانند به‌طور مؤثرتر در این زمینه عمل کنند. این اقدامات می‌تواند به بهبود کیفیت تربیت دینی و ارتقاء سطح آگاهی دینی دانش‌آموزان کمک کند و به شکل‌گیری نسلی با هویت دینی قوی و ارزش‌های اخلاقی پایدار منجر شود.

## فهرست منابع و مآخذ

- \* قرآن کریم، (۱۳۹۲ش)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: انتشارات عابدزاده.
- \* نهج البلاغه، (۱۴۰۱ش)، جمع آوری سید شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات کتاب جمکران.
۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۸ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
  ۲. ابن منظور، محمد ابن مکرّم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
  ۳. ابوطالبی، مهدی، (۱۳۸۸ش)، تربیت دینی از دیدگاه امام علی، چاپ سوم، قم: مرکز مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
  ۴. باقری، زهره، (۱۴۰۰ش)، پایان نامه، «تأثیر آموزه‌های دینی بر عملکرد دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی از دیدگاه مدیران مدارس مورد مطالعه دانش‌آموزان ناحیه یک اراک»، مرکزی: مرکز پیام نور اراک
  ۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۰۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
  ۶. جباران، محمدرضا، (۱۳۸۵ش)، درسنامه علم اخلاق، قم: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران)، چاپ سوم.
  ۷. جودی پور، محمد حسین، (۱۴۰۱ش)، پایان نامه، «نقش معلمان در پیشگیری از دین‌گریزی جوانان از منظر قرآن کریم»، دانشکده علوم قرآنی زابل.
  ۸. خمینی، روح اله، (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام، ج ۷، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (سخنرانی در جمع فرهنگیان اصفهان - حسینیّه جماران)
  ۹. خمینی، روح اله، (۱۳۸۹ش)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ پنجم.
  ۱۰. خوری الشرتوتی، سعید، (۱۴۰۳ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیّه و الشوارد، قم: انتشارات مکتبه آیت الله مرعشی.
  ۱۱. داوودی، محمد، (۱۳۹۰ش)، تربیت اخلاقی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۱۲. داوودی، محمد، (۳۱۹۰ش)، نقش معلم در تربیت دینی، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۱۳. داوودی، محمد؛ حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۸۴ش)، «محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)»، ج ۲، تربیت دینی، ص ۲۷، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۷ش)، سیری در تربیت اسلامی، چاپ دهم، تهران: انتشارات دریا.
  ۱۵. دهقان رجبی، فاطمه، (۱۳۹۲ش)، پایان نامه، «نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه»، دانشگاه شهید باهنر کرمان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
  ۱۶. دهنوی، حسین، (۱۳۸۱ش)، معلم موفق، قم: انتشارات ظفر
  ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی الفاظ القرآن، بیروت: انتشارات دارالعلم.
  ۱۸. رشیدپور، مجید، (۱۳۹۰ش)، چگونه می‌توان تربیت کرد، تهران: ناشر انجمن اولیاء و مربیان.
  ۱۹. رودگر، محمدجواد، (۱۳۸۶)، «تربیت دینی، آسیب‌ها و راه‌های درمان»، مجله کتاب نقد، شماره ۴۲، ص ۹۱.

۲۰. زبیدی، مرتضی، (بی تا)، تاج العروس، بیروت: انتشارات دارالفکر.
۲۱. زمخشری، جارالله، (۱۳۹۱ش)، ترجمه: انصاری، مسعود، الکشاف، قم: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
۲۲. زهادت، عبدالحمید، (۱۳۸۶ش)، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، چاپ سوم، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۲۳. سلحشوری، احمد، (۱۳۹۰ش)، «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۶، صص ۴۱-۵۶.
۲۴. سیفی نژاد، عبدالرحیم، (۱۳۸۸ش)، پایان نامه، «آسیب شناسی نظری تربیت دینی جوانان»، دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲۵. شمسی پور، رفعت، (۱۳۹۰)، گلچینی از آیات اخلاقی قرآن کریم، قم: انتشارات عقیق عشق.
۲۶. صادقی محسن آباد، حجت اله، (۱۳۸۸ش)، پایان نامه، «بررسی مبانی تربیت دینی کودک از منظر قرآن و روایات»، دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲۷. صادقی، مرضیه، (۱۴۰۲ش)، پایان نامه، «شناسایی ویژگی های معلم اثر بخش از منظر آیات و روایات»، پردیس نسیمه تهران، گروه الهیات.
۲۸. صالحی، علی، (۱۳۹۴ش)، پایان نامه، «تربیت دینی از منظر قرآن و حدیث»، استان قم: دانشکده اصول دین.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۸ش)، میزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۱. طیب، محمد، (۱۳۷۷ش)، معلم خوب، تهران: انتشارات کتابخانه شفق.
۳۲. فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۴۲۱ق)، کتاب العین، قم: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی.
۳۳. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. کارآموز، فاطمه، (۱۴۰۱ش)، پایان نامه، «تبیین و بررسی شیوه های کاربردی تربیت و پرورش دینی فرزندان از منظر قرآن و روایت»، یزد: دانشگاه پیام نور مهریز.
۳۵. کردی، عبدالرضا، (۱۳۷۸)، نیاز و انگیزه در تربیت دینی دانش آموزان ابتدایی، مجله رشد دانش آموزان ابتدایی، سال سوم، شماره ۱۷، صص ۹۳-۱۰۳.
۳۶. کریمی، مریم، (۱۴۰۲ش)، پایان نامه، «رفتارشناسی معلم و متعلم در آموزه های دینی»، دانشگاه قم: مرکز پیام نور قم.
۳۷. کشاورز، سوسن، (۱۳۸۷ش)، «شاخص ها و آسیب های تربیت دینی»، مجله تربیت اسلامی، شماره ۶، صص ۹۳-۱۲۲.
۳۸. کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۳۹۹ش)، مترجم: به نژاد، عباس، اصول کافی، تهران: انتشارات آرایه.
۳۹. کیومرثی، غلامعلی، (۱۳۸۶ش)، مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی، تهران: انتشارات مدرسه.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۱۵ق)، بحارالانوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. محمدی نیا، اسدالله، (۱۳۹۰ش)، جایگاه معلم و مبلغ در قرآن کریم، قم: انتشارات سبط اکبر.
۴۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. مظاهری، حسین، (۱۳۷۱ش)، ویژگی های معلم خوب، قم: تربیت معلم آیت الله طالقانی.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۰.
۴۶. نور الدهر یزدی، یگانه، (۱۳۹۵ش)، تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی فرزندان از منظر آیات و روایات، محل نشر: دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.
۴۷. هاشمی، سیدعلی، (۱۳۸۵ش)، «ماهیت دینی تعلیم و تربیت»، مجله تربیت اسلامی، شماره ۲، صص ۴۱-۵۶.

۴۸. همتی، ستار، (۱۴۰۰ش)، رساله دکتری، «روشهای تدریس شایسته در تعلیم آموزه های دین از نظر اسلام»، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه، مدرسه عالی فقه تخصصی.